



نقد عملکرد اقتصادی دولت در خروج از رکود و گویا یحیی آل اسحاق:

## صنایع کوچک و متوسط فراموش شد

خروج از رکود فقط در خودروسازان، پتروشیمی ها و واحدهای بزرگ محقق شد

صابر



یکی از سیاست های اصلی دولت در اقتصاد کلان موضوع کنترل تورم بوده است، شما این انتخاب دولت را تا چه حد درست ارزیابی می کنید و به اعتقاد شما اجرای این سیاست موفق بوده است یا خیر؟

- به نظر من این انتخاب، انتخاب درستی بود چون وقتی دولت اقتصاد را تحویل گرفت دچار رکود تورمی بود، یعنی در عین حالی که رکود وجود داشت، تورم نیز بالا بود. این شرایط یکی از آسیب های خاص اقتصاد است که اگر اقتصادی به آن مبتلا شد به سادگی نمی تواند از آن بیرون بیاید، دلیلش هم محرز است، چون روش هایی که برای معالجه رکود وجود دارد با روش های معالجه تورم، در تضاد است یعنی در مورد تورم باید نقدینگی را کنترل و حجم پول را کم کرد ولی در مورد رکود باید تزریق کرد که متضاد یکدیگرند. حالا بعضی از کسانی که می خواهند این شرایط را معالجه کنند، علی رغم این که تورم هست، به دنبال معالجه رکود و رونق اقتصادی می روند. یعنی می گویند که تورم را قبول داریم ولی باید رکود را مرتفع کنیم و بعضی دیگر بر عکس عمل می کنند؛ تشخیص این که کدام یک اولویت دارد بستگی دارد به آن تیم یا طبعی که می خواهند آن را معالجه کنند، به نظر من در شرایطی که در اقتصاد ایران وجود داشت یعنی شرایط تورمی که تورم بالای ۴۰ درصد بود که البته تورم می تواند علل مختلفی داشته باشد ولی علت العلل آن حجم بالای نقدینگی درون اقتصاد بود که بی محابا در دوره های قبل تزریق شده بود. به نظر من تشخیص آنها در این شرایط درست بود یعنی این که در میان رفع رکود و تورم، اولویت را بر رفع تورم قرار دادند به نظر من انتخاب درستی بود.

**حالا در اجرای این سیاست چگونه عمل کردند، آیا به درستی این سیاست اجرایی شد؟ عده ای معتقدند که دولت اقدام به سرکوب قیمت تولید کننده کرده است، شما که با بخش خصوصی و تولید کنندگان در ارتباط هستید آیا این ایده را می پذیرید؟**

- قسمت پایانی این پرسش بحث دیگری است که عرض خواهم

کرد ولی در رابطه با این که آیا در اجرا موفق بودند یا نه، آن ها شوکی عمل نکردند، یعنی می توانستند برای رفع تورم به صورت دفعتی با یکسری سیاست های تند وارد عمل بشوند و سریع تر تورم را کنترل کنند در حالی که یک بر خور تدریجی کردند یعنی چون از مسئله رکود نیز نگرانی داشتند، آرام آرام منتها با جهت گیری کنترل نقدینگی، از طریق کنترل اعتبارات بانکی و افزایش پایه پولی - که البته مجموعه سیاست ها در این بخش مفصل است - به صورت تدریجی با مسئله برخورد کردند. سوال این است که آیا این روش تدریجی جواب داد یا نه؟ من می گویم که مجموعه آثار و ارقام می گوید که در روش تدریجی موفق بودند، یعنی تورم نقطه به نقطه را از ۳۷ درصد به ۱۹ درصد الان حتی کمتر حدود ۱۴ تا ۱۵ درصد تبدیل کردند، این نشان می دهد که این سیاستشان درست بود و به مقصودی که می خواستند، رسیدند ولی دقت داشته باشید که این رشد یا آهنگ تورم بود؛ نه خود تورم. یعنی مجموعه مردم عادی فکر می کنند که اگر فلان کالا قیمت مشخصی داشته است الان باید کمتر شده باشد در حالی که این نیست و آهنگ رشد قیمت را کم کردند و بر این حرفشان صادق هستند. حالا این که اندازه کاهش قیمت بالا یا پایین بود، مورد بحث بود که خوشبختانه این مساله از نظر منطقی مورد قبول شان است که این که آقای نعمت زاده با دولت مکاتبه کرده است که سیستم قیمت گذاری و کنترل قیمت مثلا از روی خودرو برداشته شود، که از روی خیلی از کالاها الان برداشته شده است و عرضه و تقاضا دارد عمل می کند ولی در برخی از قسمتها هنوز هست.

**در چه قسمت هایی هنوز هست؟ در چه کالاهایی؟**

- در مواد غذایی تا حدودی هنوز هست، البته کمتر شده است، در خودرو نیز هست، برخی از کالاهایی که حساسیت دارد، هنوز هست ولی در قسمت های عمومی آزاد گذاشته اند. خط مشی دولت بر این است که به تدریج قیمت گذاری را بردارند و این ها را آزاد کند. نظر مادر اتاق بازرگانی نیز این است که سیستم قیمت گذاری با اقتصادی که آزاد باشد، جور نمی آید؛ به دلیل آن که عوامل تولید مثل ارز، هزینه های مالی و بقیه آزادند، حتی قیمت

یحیی آل اسحاق، رئیس فعلی اتاق بازرگانی تهران و وزیر سابق بازرگانی در دولت ششم، سوابقی علمی همچون عضو هیات امناء دانشگاه های شرق کشور و رئیس انجمن علمی بازرگانی کشور را در کارنامه دارد و دو کتبی خود را در رشته مدیریت استراتژیک از دانشگاه عالی دفاع ملی گرفته است. هر چند نقد عملکرد اقتصادی دولت، محور اصلی گفت و گوی نزدیک به ۴۰ دقیقه ای ماست اما تاکید می کند که غرض از بیان این مطالب برای اصلاح امور است و قصد انتقاد ندارم. این تاکید دکتر آل اسحاق بیشتر زمانی مطرح می شود که وی از مسئله بیکاری و رفاه عمومی مردم و کاهش قدرت خرید آن ها به عنوان دو موضوعی یاد می کند که باید به عنوان خط قرمز نگریسته شود، به طوری که اگر توجه جدی به این دو مسئله نشود ممکن است منافع حیاتی نظام لطمه ببیند؛ شاید به همین دلیل است که وی انتخاب سیاست های ضد تورمی دولت را یک انتخاب درست می داند. وی معتقد است آمارهای بانک مرکزی و مقامات رسمی را باید قبول کنیم: اگر قرار باشد که آمار رسمی کشور را قبول نکنیم، سنگ روی سنگ بند نمی شود ما معتقدیم که باید به صنایع کوچک و متوسط که عمده ترین مشکلات را دارند و عمده ترین اثرات را نیز در اشتغال و مسایل اجتماعی دارند، بیشتر توجه می کردند و وزن آن ها را بیشتر مورد توجه قرار می دادند. جزئیات بیشتر را در پرسش و پاسخ با وی می خوانید: